

سرویس آذربایجان/خبرگزاری آران
خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان :
حسن گلی

به بهانه 25 اردیبهشت: روز گرامیداشت فردوسی

مقدمه :

سخن از خداوندگار سخن، ابوالقاسم فردوسی است، انسانی متدین و آزاد منش، حکیمی چابک اندیشه و شاعری فلک فرسا که قدرت شعرش همگان را به حیرت و تحسین وادار نموده است به گونه ای که انوری قصیده سرای کم نظیر ایران زمین، او را نه شاعر بلکه خداوند گار شاعران نامیده است .

آفرین بر روان فردوسی/ آن همایون بهار فرخنده

او نه استاد و ما شاگرد/ او خداوند بود و ما بنده

سعدی، شاعر پیر آوازه ای که گیرایی اشعارش مرزها را در نوردیده در تمام دیوانش تنها شعر یک شاعر را تضمین کرده و او هم فردوسی است .

چه خوش گفت فردوسی پاکزاد / که رحمت بر آن تربت پاک باد

میازار موری که دانه کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است

نظامی گنجوی، شاعر برجسته فارسی سرا در دیباچه کتاب لیلی و مجنون خود آرزو می کند که پسرش بدان مرحله از رشد و هوشیاری برسد که توفیق قرائت شاهنامه نصیبش گردد.

دارم به خدا امید واری/ که غایت ذهن و هوشیاری

آنجا رساندت از عنایت/ که آماده شوی به هر کفایت

هم "نامه خسروان" بخوانی/ هم گفته بخردان بدانی

در طول هزاره پس از فردوسی، سخنوران بسیاری در کنار تحسین شاهنامه در پی کشف رمز وراز جاودانگی و تاثیر گذاری آن بوده اند که بسیاری از اینان پس از بررسیهای فراوان و بیان دلائلی از قبیل استعداد و نبوغ ذاتی و سرشار شاعر در سرودن اشعار حماسی، مهمترین عامل ماندگاری شاهنامه را در الهام گیری فردوسی از کلام وحی دانسته اند؛ آری فردوسی پس از درک اسلام به چنان ایمان و معرفتی دست یافته بود که تنها راه رستگاری بشر را در عمل به گفتار پیامبر که برگرفته از کلام وحی است، می دانست .

تو را دانش و دین رهند درست/ در رستگاری بیایدت جست

و گر دل نخواهی که باشد نژند / نخواهی که دایم بوی مستمند

به گفتار پیغمبر راه جوی/دل از تیرگیها بدین آب شو

با تاملی در دیباچه شاهنامه متوجه این حقیقت می گردیم که برخی از ابیات آن ترجمه صریح و یا تلویحی آیات قرآن کریم است که در اینجا به ذکر دو مورد کفایت می کنم .

به بینندگان آفریننده را/ نبینی مرغان دو بیننده را

این بیت ترجمه صریح آیه 103 سوره انعام می باشد که خداوند می فرماید: "لاتدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو الطیف الخبیر" و یا این مصرع شاهنامه که می گوید "جهان سر به سر چون فسانه ست و بس" در حقیقت برگرفته از آیه ۳۲ سوره انعام است که می فرماید: "زندگیدنیا جز بازیچه کودکان و هوسرانی بی خردان هیچ نیست." " و ما الحیوه الدنیا الا لعب و لهو و..." گرچه سخن در خصوص فردوسی و شاهنامه او که در حقیقت شاه نامه ها یعنی بهترین نامه ها می باشد، فراوان است لیکن در این یادداشت یه صورت اجمال به ارتباط تنگاتنگ مردم جمهوری آذربایجان با شاهنامه فردوسی می پردازیم.

فردوسی و مردم جمهوری آذربایجان

اکنون که به مناسبت سالروز تولد حکیم ابوالقاسم فردوسی این سطور نگاشته می شود 194 سال از اولین ترجمه شاهنامه به زبان آذری می گذرد، رشید اسماعیل اوغلی افندی زاده اولین اندیشمند آذربایجانی بود که بخشی از شاهنامه، تحت عنوان رستم و سهراب را در سال 1906 ترجمه نمود. مترجم در اثر خود از فردوسی با عناوینی همچون "شاعر لر شاهی" و نیز "حضرت حکیم طوس" یاد می کند و در مقام معرفی شاهنامه چنین می نویسد "شاهنامه به گونه ای ارزشمند و گرانبهاست که حتی بیگانگان فرنگی به ویژه دانشمندان و ادیبان انگلیسی و آلمانی در جهت آموختن شاهنامه ناچار شدند زبان فارسی را نیز بیاموزند".

در طول نزدیک به دو قرن سپری شده از اولین ترجمه شاهنامه ارتباط تنگاتنگ و غیر قابل گسستی بین مردم جمهوری آذربایجان و شاهنامه برقرار گردیده است؛ نویسندگان و اندیشمندان زیادی تمام یا بخشهایی از شاهنامه را به زبان آذری ترجمه نموده اند، فیلمنامه نویسان و درام نویسان زیادی بر اساس شاهنامه آثار خود را ارائه کرده اند، بازیگران زیادی با هنر نمایی در نقش شخصیتهای شاهنامه در تاریخ آذربایجان ماندگار شده اند، نویسندگان و اندیشمندان زیادی در خصوص فردوسی و شاهنامه قلم فرسای کرده اند و بالاخره اینکه از جمله باشکوه ترین جشن های تولد هزاره فردوسی را آذربایجانیها برگزار نموده اند که در این جشن، فردوسی به عنوان شاعری که بر ادبیات همه مردم جهان تاثیر داشته و خواهد داشت معرفی گردیده و از او به عنوان انسانی خارق العاده و جهانی که مرتبه عظمایی دارد یاد شده است.

با علم بر همه این تلاشها و اقدامات که بسی در خور توجه و سپاس می باشد بایستی مهمترین حلقه ارتباط شاهنامه و آذربایجان را در میان توده مردم جستجو نمود، در آذربایجان، فردوسی و شاهنامه برای نخستین بار از میان اقشارمختلف مردم مورد توجه قرار گرفت، پیش از همه وارد پندار، روحیه و اخلاقیات مردم شد و پس از آن به کانونهای علمی و ادبی راه یافت. استقبال مردم از شاهنامه خوانی به گونه ای بوده است که مفاهیم آن را به جزئی از فرهنگ عمومی مردم تبدیل کرده است و استفاده مردم از اسامی شخصیتهای شاهنامه برای نامگذاری فرزندان خود تنها نمونه ای از علاقه مندی مردم به شاهنامه محسوب می گردد.

به طور خلاصه می توان به این مهم اشاره نمود که شاهنامه همان سان که بخشی از فرهنگ و سنن ایران زمین را شکل داده با آداب و سنن و فرهنگ مردم آذربایجان نیز عجین

گشته است به گونه ای که در حال حاضر نیز ترجمه هایی که از شاهنامه فردوسی بعمل می آید مورد استقبال گسترده مردم و دانشگاهیان قرار می گیرد که نمونه آن استقبال فوق العاده از ترجمه ای بوده است که توسط شرق شناس و ایران شناس برجسته آذربایجان دکتر مبارز علیزاده و با همت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو به زیور چاپ آراسته گشته است .

شاید این سوال به ذهن آدمی متبادرگردد که چرا شاهنامه فردوسی، طی دو قرن اخیر اینگونه مورد توجه مردم آذربایجان بوده است، واقعیت اینست مردم آذربایجان پس از جدایی ناخواسته از دامان ایران و قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی که تحت استیلای تزارها و بلشویکها بودند با توجه به خصوصیت حماسی شاهنامه آن را درمان درد شان و جوابگوی ذوقشان می دانستند و امروزه نیز به حکیم ابوالقاسم فردوسی به عنوان شاعر بلند آوازه هم مذهب خود عشق می ورزند و هر گاه که شاهنامه را تورق می نمایند در کنارشعار حماسی آن با ابیاتی که حاکی از دل بستگی سراینده آن به مذهب تشیع می باشد روبرو می گردند :

به گفتار پیغمبر راه جوی / دل از تیرگی ها بدین آب شوی
چه گفت آن خداوند تنزیل و وحی / خداوند امر و خداوند نهی
که ، من شهر علم ، علیم در است / درست است این سخن ، قول پیغمبر است
گواهی هم کاین سخن راز اوست / تو گویی دو گوشم پر آواز اوست
منم بنده اهل بیت نبی / ستاینده خاک پای وصی ...

سخن پایانی :

آشنایان با تاریخ سرزمینی که امروزه جمهوری آذربایجان نامیده می شود نیک می دانند که «حفظ حداقل آموزه های مذهب تشیع» و «سازش ناپذیری با اشغالگران» از جمله ویژگیهای مردم آذربایجان در دوران حکومت روسها بوده است و پس از استقلال این کشور نیز تقویت مفاهیم شیعی و مقابله با تاثیر پذیری از بیگانگان به ویژه صهیونیسم جهانی ، به جریان غالب در میان دینداران جمهوری آذربایجان تبدیل شده است که نمونه بارز آن را در ایستادگی و مقاومت آنان در مقابل سیاستهای ضد دینی مانند ممنوعیت پخش اذان از مساجد و نیز تخریب مسجد حضرت فاطمه زهرا در باکو مشاهده نمود -که منجر به عقب نشینی مقطعی متولیان این سیاست گردید-در حقیقت همانگونه که حکیم ابوالقاسم فردوسی در زمانه ای که با اشاره خلیفه عباسی، محمود و مسعود غزنوی در ری و آمل، و طغرل سلجوقی در بغداد، خون پیروان اهل بیت علیهم السلام را به شمشیر ستم می ریختند و کتب کلامی و حدیثی شیعه را به لهیب آتش بیداد می سوزانند، صراحتا اعلام کرد که جام محبت مولای متقیان علی علیه السلام را عاشقانه سر می کشد امروزه نیز مردم مسلمان و شیعه مذهب آذربایجان با مواضع، تجمعات، بیانیه ها و اقدامات مختلف در برابر سیاستهای ضد شیعی موجود در آذربایجان و علیرغم همه عواقب ناخوشایند آن مانند بازداشت ، ضرب و شتم و... آشکارا محبت علی و اولاد او را فریاد می کنند و شاید همین موضوع رمز و راز پیوند دیرین مردم آذربایجان با حکیم ابوالقاسم فردوسی باشد.